

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران

تلفن ۰۰۴۹۱۶۳۳۴۵۸۰۰۷

E_mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان

تلفن ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

E_mail:

abdolgolparian@yahoo.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت
www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۲ خرداد ۱۳۸۷، ۱۱ ژوئن ۲۰۰۸

سر دبیر: منصور فرزاد mansoorfarzad@yahoo.se



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

ایسکرا ۴۱۸

نامه اتحادیه آزاد کارگران ایران به ITUC در پاره وارد کردن فشارهای شدید جسمانی بر جوانمیر مرادی و طاهای آزادی

از: اتحادیه آزاد کارگران ایران ۳۴ روز از بازداشت آنان می گذرد .
به: کنفدراسیون بین المللی اتحادیه در این مدت:
های کارگری ITUC ۱- به استثنای چند روز اول بازداشت
۳ جون ۲۰۰۸ جوانمیر مرادی و طاهای آزادی
با دروهای فراوان مامورین امنیتی محل نگهداری
دوستان و همکاران گرامی آنها را از خانواده های این کارگران
همانگونه که مطلع هستید در اول پنهان کرده و به این ترتیب اقدام به
ماه مه امسال جوانمیر مرادی و آزار و اذیت همسران و فرزندان آنان
طاهای آزادی از اعضای هیئت مدیره کرده اند.
اتحادیه آزاد کارگران ایران به دلیل ۲- مامورین امنیتی در طول زمان
برگزاری مراسم اول ماه مه در نگهداری جوانمیر مرادی و طاهای
عسولیه بازداشت شدند و هم اکنون صفحه ۲



ناصر اصغری

عطایی، دیپلمات سابق. کار این افراد به گفته نوشته مجله مزبور - هموار کردن راه دیپلماسی بین ایران و آمریکا است.
در کنار این افراد، لازم است که به افراد دیگری نیز، که رسماً صفحه ۲

سفارت و سفیران غیر رسمی جمهوری اسلامی در آمریکا

باید پای این نوع "کارشناسان" را از خارج قطع کرد

سایت اینترنتی مجله AmericanChronicle روز ۹ ژوئن امسال مطلبی را به قلم حسن داعی درج کرده بود که حاوی نکات مهمی است. این نوشته ۳ نفر را که اکنون در دانشگاه هاروارد در بوستون آمریکا مشغول به کار و فعالیت هستند، آورده است که در گذشته ای نه چندان دور از کاربدستان بسیار مهم رژیم بودند و هم اکنون تحت عنوان تحقیق و سایت اینترنتی مجله AmericanChronicle روز ۹ ژوئن امسال مطلبی را به قلم حسن داعی درج کرده بود که حاوی نکات مهمی است. این نوشته ۳ نفر را که اکنون در دانشگاه هاروارد در بوستون آمریکا مشغول به کار و فعالیت هستند، آورده است که در گذشته ای نه چندان دور از کاربدستان بسیار مهم رژیم بودند و هم اکنون تحت عنوان تحقیق و

همبستگی و عزم قاطع کارگران آذربای ضامن موفقیت اعتصاب خواهد بود

صفحه ۶

مصاحبه با بهمن فاتحی در مورد اعتراضات و خواسته های معلمان برگرفته از وبلاگ "صدای اعتراض معلم"

میزند جزء بدیهی ترین خواسته هاو حقوق اکثریت شاغل هر جامعه ای هستند که اگر در آلمان یا انگلیس و با يك درجه تخفیف حتی در ترکیه طرح شوند خواسته هایی کاملاً صنفی، با تعریف رایجی که از خواسته ها و اعتراضات صنفی وجود دارد، محسوب میشود. اما در این مملکت همه می دانیم شرایط فرق میکنند. نگاهی به صفحه ۳

سال گذشته بارها دست به اعتراض زدند؛ این اعتراضات گاه به شکل صدور بیانیه و نامه های اعتراض آمیز بود، و گاه به شکل تجمع و تحصن اولین سئوالم این است که آیا این اعتراضات صنفی است یا انگیزهای سیاسی و اجتماعی نیز در آن دخیل هستند؟
خواسته هایی که معلمان در ایران بخاطرش دست به اعتراض

توضیح:
مصاحبه ای که در زیر میخوانید بخشی از آن در سایت روز و خبرنامه امیرکبیر در تاریخ دوشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۸۷ درج شده است. اینجا متن کامل این مصاحبه را ملاحظه میکنید.
معلمان ایرانی طی دو

فراخوان دعوت به حمایت از فرهاد حاجی میرزایی برای نجات جان فرهاد از مرگ متحد شویم!

فرهاد حاجی میرزایی یکی از فعالان حقوق بشر و عضو "کمیته علیه اعدام و سنگسار بختیار و ژینا ایزدی" در شهر سنندج و مریوان بود. فرهاد در تاریخ ۲۳ دیماه ۸۶ در کردستان با طرح اتهامات بی توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت و تا هم اکنون تحت شکنجه و در زندان بسر می برد. فرهاد حاجی میرزایی تا کنون برای چندین مورد بازجویی و شکنجه شده است. نیروهای امنیتی ایشان را برای گرفتن اطلاعات و شکنجه از کردستان راهی بند ۲۰۹ زندان اوین کرده اند. نیروهای وزارت اطلاعات در کردستان با طرح اتهامات بی اساس مانند اتهام اقدام علیه امنیت ملی فعالان مدنی و سیاسی تحت شکنجه و در زندان بازداشت، شکنجه و محکوم میکنند. یکی از اتهامات وارده بر صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

همانند ۳ تن بالا دستشان به خون ده ها هزار مخالف رژیم اسلامی خونین نیست، اشاره کرد. باید از مؤسسه "انجمن دوستی ایران و آمریکا" (American Iranian Council) که رئیس آن هوشنگ امیراحمدی برای هموار کردن روابط دیپلماتیک بین ایران و آمریکا، در بین راه تهران - لندن - واشنگتن کمتر از ۳ پاسدار نامبرده بالا تلاش و پادوئی نکرده است، نام برد. پرداختن به این موضوع تجزیه و تحلیل نمی خواهد. لازم به آذیتاسیون هم نیست. امروزه روز چه کسی از دوست و دشمن است که حرف از رفتن و سرنگونی رژیم اسلامی نزنند. از مجاهدین انقلاب اسلامی و مشارکت و رفسنجانی گرفته تا دانشجویان تربیت معلم و کارگران نیشکر هفته و جوانانی

که همین دیروز تبلیغات در باره اعدامشان صفحات رسانه های تهران را "رنگین" کرده بود، با هزار و یک زبان می گویند که این رژیم رفتنی است! بحث ابد این نیست که گویا پادوهای معمم و مکلائی احمدی نژاد قرار است بتوانند جلوی این روند را بگیرند؛ بحث بر سر این است که جامعه ای که آرام نمی گیرد و جامعه ای که حکم به رفتن اسلاميون داده است، چقدر جلوی اینها را گرفته است؟! بحث بر سر این است که اگر ما به پذیرفته شدن نمایندگان جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار اعتراض داریم و به مسئولین این نهاد نامه می دهیم که ایشان را اخراج کنند، چرا نباید يك چنین کمپینی را علیه حضور "مدیر امور بین الملل مجلس خبرگان"

راه نیندازیم؟! بحث بر سر این است که اگر امروز سازمان هائی از اینترپل (پلیس بین الملل) می خواهند که هاشمی رفسنجانی و محسن رفیق دوست را به دلیل دست داشتن در بمب گذاری های چند سال پیش در آرژانتین، در مکه دستگیر کنند و به دادگاه های بین المللی بفرستند، چرا نباید معاونین و مشاورین این جنایتکاران راحت بعنوان کارشناس و محقق در دانشگاه های آمریکا و اروپا قدم بزنند و برنامه بزنند؟! ۳۰ خرداد نزدیک است. باید قبل از اینکه اجازه داده این جانیان رل کارشناس را بازی کنند، برای جامعه ابعاد توصیف نشده ۳۰ خرداد و روزهای بعد از آن را افشا کنند! این کار شدنی است. همانهایی که در هفت تپه و تربیت

معلم اعتراض کردند؛ همانهایی که در کوره پزخانه های ارومیه و قرچک پشت کارفرماها و دولتشان را به خاک مالیدند، باید جلو بیافتند و علیه این جانیان و رژیم را که ایشان نمایندگی می کنند، کیفر بخواهند! مقامات آمریکائی با تمام هارت و پورتی که بر علیه جمهوری اسلامی براه می اندازند، از حضور این لات و لوطها خبر دارند. سازمان های جاسوسی ای که از اتاق خواب احمدی نژاد هم خبر دارند، از این سایت <http://belfercenter.ksg.harvard.edu/Experts/878/> و این سایت <http://sharif.edu/~maleki> هم خبر دارند. چه معلوم که ديك چینی و کاندلیزا رایس در حضور هوشنگ امیراحمدی باعباس ملکی جلسه

نداشته است؟! قبلا از این نوع کارها زیاد کرده اند. بنظر من تمام کسانی که کیفرخواستی علیه رژیم جمهوری اسلامی دارند، باید مردم آمریکا و نهادهای مدنی و مترقی این جامعه را خطاب قرار دهند که دولت آمریکا نه تنها میزبان قاتلین و سنگسار کنندگان است، بلکه اینها قرار است به جوانان آمریکا در دانشگاه هاروارد آموزش هم بدهند! این یکی از بهترین و ساده ترین راههای مقابله با گسترش تروریسم اسلامی هم هست؛ چه برای کردن دمش در داخل و چه برای جلوگیری از گسترش این وحشیگری اسلامی در بیرون از مرزهای ایران.

۲۲ خرداد ۸۷، ۱۱ ژوئن ۲۰۰۸

۱/۴/۸۷ نامه اتحاد آزاد...

آزادی از دادن داروهای اعصاب جوانمیر مرادی که باید آنها را بطور روزمره مصرف میکرد خودداری کرده و آنان را با دستان از پشت بسته نگه داشته اند.

۳- در مورخه ۲۳/۲/۱۳۸۷ مامورین امنیتی جوانمیر مرادی را وادار کردند با همسرش تماس گرفته و به ایشان بگویند که در حال انتقال به کرمانشاه هستند. اما با مراجعه خانواده این کارگران به اداره اطلاعات کرمانشاه، اداره مذکور از این مسئله اظهار بی اطلاعی کرد و فوزیه خالصی و همراهان وی را مورد ضرب و شتم قرار داد.

۴- فوزیه خالصی همسر جوانمیر

مرادی دو روز پیش یعنی مورخه ۱۳/۳/۱۳۸۷ موفق شد با وی در زندان مرکزی بوشهر ملاقات کند. در این ملاقات بر اثر شدت فشارهای جسمانی وارده بر جوانمیر مرادی در اداره اطلاعات بوشهر، وی قادر به نشستن نبوده و آثار ضرب و شتم در قسمت های مختلف بدنش مشهود بوده است. جوانمیر مرادی و طاهای آزادی را در طول مدت نگهداری آنان در اداره اطلاعات بوشهر با چشمان و دستان بسته به کرات مورد ضرب و شتم شدید قرار داده اند بطوریکه احتمال شکستگی در قفسه سینه جوانمیر مرادی بسیار جدی است و یکی از دندانهای طاهای آزادی نیز شکسته است. علاوه بر این هیچ اقدامی در

این مدت از سوی مامورین امنیتی برای درمان آنها بعمل نیامده و هم اکنون آنان در زندان مرکزی بوشهر تحت بازداشت هستند و علیرغم پیگیری خانواده های آنان و مراجعه به دفتر رسیدگی به شکایات مردمی رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی و قاضی پرونده در عسلویه، همچنان از انتقال جوانمیر و طاهای به دادگاه خودداری میکنند. از نظر ما نگهداری غیر معمول این کارگران در زندان مرکزی بوشهر و عدم انتقال آنان به دادگاه برای روشن شدن تکلیفشان، به خاطر اینست تا آثار شکنجه بر بدن این کارگران محو شود.

دوستان و همکاران گرامی جوانمیر مرادی و طاهای آزادی هیچ

جرمی جز برگزاری مراسم اول ماه مه مرتکب نشده اند و تنها سندی که اداره اطلاعات عسلویه به عنوان سند جرم به خانواده های آنان نشان داده است پلاکاردهایی است در اعتراض به میزان و عدم پرداخت دستمزدها که در ابتدای مراسم در دست این کارگران بوده است.

ما ضمن قدردانی از اقدامات تا کنونی شما در دفاع از حقوق انسانی کارگران در ایران، از شما انتظار داریم با توجه به برگزاری اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار، اقدامات جدی تری را در این روزها برای دفاع از حقوق انسانی کارگران در ایران بعمل آورید. منصور اسالو رئیس هیئت مدیره

سندیکای کارگران شرکت واحد و بختیار رحیمی یکی دیگر از فعالین کارگری همچنان در زندان هستند و کارگران نیشکر هفت تپه بدلیل اعتصاب در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان مورد سرکوب واقع شده و تحت تعقیب قضایی قرار گرفته اند. دولت جمهوری اسلامی عضو سازمان جهانی کار است و از نظر ما به دلیل نقض شدید ابتدائی ترین و بدیهی ترین حقوق کارگران صلاحیت عضویت در سازمان جهانی کار را ندارد.

با احترام فراوان
اتحادیه آزاد کارگران ایران
۱۳۸۷/۳/۱۴

فراخوان دعوت به حمایت ...

فرهاد حاجی میرزایی اقدام علیه امنیت ملی و فعالیت به نفع مخالفین نظام اعلام شده است. دادگاه انقلاب و اداره اطلاعات در طول مدت زمان بازداشت وی از

ملاقات فرهاد با خانواده اش ممانعت کرده اند. پدر فرهاد حاجی میرزایی برای چند بار بازداشت و بازجویی و تهدید شده است. اعضای خانواده اش از طرف ستاد خبری اداره اطلاعات تهدید و

احضار شده اند. فرهاد حاجی میرزایی از گرفتن وکیل برای دفاع از خود تا بحال محروم بوده است و مسئولین قضایی و امنیتی از وضعیت پرونده اش اظهار بی اطلاعی می کنند. طبق خبرهای

دریافتی از زندانیانی که هنگام بازجویی و درسوللهای همجوار سلول انفرادی ایشان بوده اند فرهاد بشدت تحت شکنجه و بازجویی است. نیروهای امنیتی برای اعتراف گرفتن از فرهاد ایشان را با

شوک الکتریکی، آویزان کردن بصورت واژگونه با کتف بسته برای چندین ساعت و ضرب و شتم شکنجه کرده اند. دست و کتف شفرهاد بر اثر شکنجه شکسته است، بر اثر شلاق

حالا هم این بخش قصد دارد معلمان را چند سال دیگر با خواست اجرای لایحه خدمات کشوری از مبارزه برای تحقق خواسته هایشان دلسرد کند.

مقامات دولتی اتهام سیاسی بودن را به اعتراضات معلمان وارد می کنند چه دلیلی برای رد چنین اتهامی دارید؟

فکر میکنم در پاسخ به سؤال اول شما تا حدودی نظرم را در باره سیاسی یا صنفی بودن اعتراضات معلمان گفتم. پایین تر نظرم را راجع به اینکه چطور باید با این "اتهام" برخورد کرد را توضیح می دهم. اما اجازه بدهید اینجا به جنبه های دیگری از این بحث هم اشاره کنم. اگر اعتراضات بخشهای دیگر مثل اعتراضات کارگری، دانشجویی، زنان و غیره را دنبال کرده باشید متوجه می شوید این بحث که اعتراضات صنفی یا سیاسی است در سطح اعضا و فعالین اعتراضات دیگر مطرح نبوده نیست.

معلمی که ۶ ماه است حقوق دریافت نکرده و تورم و گرانی جاننش را به لبش رسانده، بازنشسته ای که نه تنها حقوق فعلیش را افزایش نمیدهند بلکه پاداش و مزایای ۳۰ سال کارش را هم پرداخت نمی کنند، معلمی که بخاطر احساس مسئولیت در برابر رشد علمی و فکری دانش آموزانش نسبت به محتوای خرافاتی و قرون وسطایی درس معترض است، به این فکر نمی کند که خواسته اش سیاسی است یا صنفی او حقش را میخواهد.

بنظرم در میان معلمان قبل از اینکه این مسئله حکومت باشد، بحثی است که از طرف گرایش معینی در تشکلهای معلمان، با هدف ترساندن معلمان و محدود



تهران - تظاهرات معلمان در مقابل مجلس ۱۳۸۶

پیشنهاد این لایحه نیز افزایش حقوق معلمان را منوط به تصویب این لایحه کرده بودند، پس از تصویب، همانطور که شما هم اشاره کردید اجرا نشد. اینها که گفتم وجه فرمال و اداری موضوع مطالبات معوق و لایحه خدمات کشوری بود. اما بطور واقعی مسئله شکل دیگری دارد. لایحه خدمات کشوری از همان ابتدا برای سردواندن معلمان و سایر کارمندانی که نسبت به پایین بودن حقوقها معترض بودند پیشنهاد شد. چون از همان ابتدا معلوم بود این طرح با مشکلات و پیچیدگیهای اجرایی زیادی روبرو خواهد شد و یکی از دلایل طولانی شدن تصویب این طرح هم همین موضوع بوده است. حتی اجرای این طرح هم نمیتواند مشکلات معیشتی امروز معلمان را حل کند. چرا که بر فرض اجرا شدن سالها طول خواهد کشید تا بازده مشخصی عاید معلمان شود.

بخشی از تشکلهای صنفی معلمان نیز هدف خود را تصویب این لایحه قرار دادند و عملاً در سر دواندن معلمان در تمام این سالها با حکومت شریک شدند.

کشوری» از مسایلی است که در مورد اولی دولت مدام وعده پرداختش را می دهد و دومی هم از خواسته های معلمان است که با وجود تصویب در مجلس، دولت همچنان از اجرائش خودداری کرده است. شاید افکار عمومی خیلی به ارتباط این دو موضوع به فرهنگیان آشنا نباشد شما می توانید این ارتباط را تشریح کنید؟

سالهست که دولت وعده افزایش حقوق کارمندان آموزش و پرورش را میدهد اما هر بار به بهانه ای این اتفاق نیفتاده. منظور از مطالبات معوق در سؤال شما فکر می کنم همین افزایش وعده داده شده است چون در حال حاضر بسیاری از معلمان از جمله معلمان حق التدریس و بازنشسته بجز مطالبات معوق که توضیح دادم، ماههاست حقوق و مزایا معمول خود را هم دریافت نکرده اند.

در زمان آقای خاتمی دولت لایحه خدمات کشوری یا نظام هماهنگ پرداخت را برای هماهنگ سازی حقوقهای کارمندان مختلف بخش دولتی پیشنهاد داد. از زمان

مدل موی آدمها و نوع لباس پوشیدنشان به امنیت ملی گره خورده است، نمی توان اعتراضات بیش از یک میلیون معلم به شرایط ناعادلانه ای که نزدیک به سه دهه است بر آنها اعمال میشود را صرفاً اعتراضات صنفی تحلیل کرد. بنابر این جهت که نگاه کنید جنبه سیاسی موضوع رامی توان دید و بنظر من اینکه اعتراضات معلمان، مانند سایر اعتراضات اجتماعی، دارای جنبه های سیاسی اجتماعی هم هست برای کسی که نخواهد خود را بفریبد و یا ریگی به کفش نداشته باشد اظهار من الشمس است.

برخی از فعالین بنا بر مصالحت اندیشی و برخی به دلایل معین سیاسی تلاش میکنند اعتراضات معلمان را، حتی آنجا که با قاضی و دادستان و بازجو سروکار ندارند، کاملاً صنفی و فقط در حد افزایش درصدی به حقوقها نشان دهند که بنظر من در هر دو حالت به ضرر حرکت معلمان است.

دو موضوع «مطالبات معوق» و «لایحه خدمات

اعتراضات کارگری، دانشجویی، زنان و غیره که آنها هم خواسته هایی مشابه ما دارند این را به خوبی نشان داده که حرکت برای ابتدایی ترین خواسته ها هم در اینجا جنبه سیاسی اجتماعی پیدا میکند، اعتراضات معلمان هم به همین ترتیب.

کارگری که به پرداخت نشدن حقوقش معترض است از طرف نیروهای امنیتی احضار و تهدید میشود و توسط دادگاه انقلاب به محاکمه کشیده می شود، معلمی که در اعتراض به شرایط مشقت بار زندگی دست به اعتصاب و تجمع میزند به جرم اقدام علیه امنیت محاکمه و محکوم می شود. بنابر این جدا از هر تعریفی که من و شما از اعتراضات صنفی و سیاسی داشته باشیم خود حکومت بابر خوردی که به اعتراضات میکند عملاً اعلام می کند اعتراض به ظلم و بی حقوقی، اعتراضی سیاسی است.

فوری ترین خواسته معلمان بهبود وضعیت معیشتی آنان است که شامل پرداخت حقوقها و پاداشهای معوقه، افزایش حقوقها، حل مشکل مسکن، برخورداری از خدمات درمانی مناسب و غیره است اما در عین حال خواسته هایی که ناظر بر منزلت معلم هستند، مانند اصلاح ساختار اداری آموزش و پرورش، دخالت مستقیم معلمان در ساختار مدیریتی، افزایش امکانات و تجهیزات آموزشی، بالا بردن سطح علمی آموزش و زدودن خرافات از کتابهای درسی نیز برای معلمان مطرح است که در مقایسه با مطالبات قبلی، من اینها را خواسته های سیاسی اجتماعی معلمان میدانم چرا که حل این بخش از خواسته ها در گرو درجه ای از تغییرات سیاسی و اجتماعی است.

نکته آخر اینکه در مملکتی که

گرفتن اعتراضات معلمان و فرهنگیان بود، منتها اکثریت اعضای مجلس هفتم حتی در جریان استیضاح مجدد/ به او رای اعتماد دادند. نقش اکثریت مجلس را در شرایط دشوار فعلی معلمان چه طور ارزیابی می کنید؟ اصلا نمایندگان مجلس هفتم حاضر بودند اعتراضات معلمان را بشنوند؟

فکر میکنم شعار "۲۸ سال گذشته عدالت کجا رفته" که دهها هزارمعلم در تجمعات و اعتراضات سال گذشته دادند، موجزترین پاسخ به این سوال شما باشد.

عدم تحقق وعده ها مختص آقای فرشیدی نبوده. وزرای قبلی و جانشین ایشان هم به همین روش با خواسته ها و مطالبات معلمان برخورد کرده و میکنند. در مورد نمایندگان مجلس هم همین روش صادق است. نه نمایندگان مجلس هفتم حاضر بودند اعتراضات معلمان را بشنوند و نه نمایندگان مجلس ششم و پنجم و غیره. رای اعتمادی که نمایندگان مجلس به فرشیدی دادند همانطور که همه میدانیم بر بستر رقابت جناحهای درون حکومت با یکدیگر بود. اما این موضوع از نظر معلمانی که ۲۸ سال است ابتدایی ترین

گرایش، که تا مقطع اعتراضات ۸۶ در تشکلهای گرایش غالب و سنگ بزرگی به پای حرکت آنها بود، نه قادر است و نه میخواهد در جهت رسیدن آنان به حقوقشان اقدام موثری انجام دهد. روند اعتراضات طی دوسال گذشته ضرورت به میدان آمدن فعالین و رهبران جسور و با درایتی که اعتراضات معلمان را جهت نیل به اهدافشان رهبری کنند را بیش از گذشته برجسته کرد.

هرچند این گرایش همچنان ابزارهایی برای اعمال نظر در برخی تشکلهای شورای هماهنگی در اختیار دارد، اما روند اعتراضات در ماههای اخیر و جدایی چهره های شناخته شده این گرایش از کانون تهران، که یکی از بانفوذترین کانونها در شورای هماهنگی بوده است، جهت کلی این تغییر را نشان میدهد.

محمود فرشیدی وزیر سابق آموزش و پرورش در ابتدای دوره وزارتش وعده داده بود که جایگاه اجتماعی-وضعیت معیشتی و مشکل مسکن معلمان و همچنین موقعیت درآمد و حقوق معلمان را ارتقا خواهد داد. عدم تحقق همین وعده ها هم یکی از دلایل اوج

استاندارها، از نیروی انتظامی تا هیأت های تخلفات اداری، از احضار و تهدید تا کسرحقوق و اخراج، از تبعید وزندان تا وحشیانه ترین مجازات یعنی حکم اعدام که برای همکارمان فرزاد کمانگر صادر شده است.

خود این نیروی عظیمی که علیه معلمان بسیج شده نشان دهنده قدرت اعتراضات معلمان است که اگر درست رهبری شود می تواند خواسته های آنان را متحقق کند.

برخوردهایی که با اعتراضات شده ظاهرا معلمان را به تمکین و ادار کرده و مانع ادامه و گسترش اعتراضات آنان شده است. اما واقعیت این است که نه تنها خواسته های معلمان همچنان بدون پاسخ مانده، بلکه افزایش تورم و گرانی مشکلات را دو چندان کرده است. سرکوب شاید بتواند بروزات علنی نارضایتی را برای دوره کوتاهی محدود کند، اما تا زمانی که ریشه نارضایتی وجود دارد و مطالبات معلمان متحقق نشده، اعتراض هم وجود دارد به همین دلیل نظر من دیر باز و شاهد از سرگیری اعتراضات گسترده معلمان با قدرت بیشتری خواهیم بود. در همین مقطع اعتراضات معلمان بازنشسته به عدم پرداخت پاداش و مزایای پایان خدمتشان، در بسیاری از شهرها در جریان است.

جنبه دیگری که باید به آن اشاره کرد، تغییرات کیفی است که ظرف دو سال گذشته و همزمان با بگير و بیندها، در سطح حرکت معلمان اتفاق افتاده و آن ایزوله شدن گرایش راست و محافظه کار در میان تشکلهای معلمان است. همین برخوردهای امنیتی - قضائی از یک سو و متحقق نشدن خواسته های معلمان از سوی دیگر، بخش وسیعی از معلمان را به این نتیجه رساند که این

محسوب می شوند و صرفا خواهان اجرای يك لایحه هستند. برای رد این "اتهام"، اعلام وتاکید براینکه اعتراضات معلمان صنفی است، بمعنی محدود کردن خواسته ها و ایجاد مرز صنفی بین اعتراضات معلمان و سایر بخشهای جامعه بدست خودمان خواهد بود، که این خود بهترین زمینه را برای سرکوب اعتراضات فراهم می کند.

سال پیش گزارشی می خواندم از اعتراضات کارگران نساجی کردستان یا کارخانه شاهو. وقتی مقامات به کارگران گفته بودند اعتراض شما سیاسی است، کارگران جواب داده بودند ما فقط حقمان را می خواهیم اگر این سیاسی است بله ما سیاسی هستیم.

من هم در رد "اتهام" سیاسی بودن اعتراضات معلمان جواب این کارگران را به طراحان آن می دهم.

اخبار و گزارش ها حاکی است که صدها معلم طی دو سال اخیر بازداشت، احضار یا محاکمه شده اند. فکر می کنید برخورد های امنیتی - قضائی در اعتراضات صنفی معلمان چه عوارضی داشته یا خواهد داشت؟ بله بخصوص پس از فروکش کردن اعتراضات در اردیبهشت ۸۶ که معلمان از صحنه اعتراض فعال خارج شده بودند، حکومت قلع و قمع فعالین را شروع کرد و هنوز هم ادامه دارد. متاسفانه آمار دقیقی در این باره وجود ندارد. آخرین آماري که من شنیده ام چیزی بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ معلم بوده که با این احکام روبرو شده اند. در این جهاد نامقدس علیه معلمانی که فقط حقشان را طلب کرده اند، از تمام ظرفیتهای امکانات سرکوب استفاده شد. از وزارت اطلاعات تا

کردن اعتراضات آنان برجسته شده است. گرایشی که برخی از چهره هایش در انتخابات اخیرمجلس خود را کاندید کردند معلوم شد اتفاقا اینها سیاسی تر از هرکس مشغول زمینه سازی شرکتشان در انتخابات بوده اند. توجیه این گرایش این است که اگر ما خواسته هایمان را صنفی اعلام کنیم اولاً فشار سرکوب کمتری شود، دوما امکان تحقق خواسته ها با مذاکره و چانه زدن با مقامات بیشتر میشود.

متاسفانه بخشی از فعالین هم این را پذیرفته اند، بدون اینکه دقت کنند، این شیوه نه تنها جلو سرکوب را نمیگیرد، چیزی که عملا شاهدیم، بلکه محدودیتهای زیادی به اعتراضات معلمان تحمیل میکند. اولین و بزرگترین محدودیت این است که اعتراضات معلمان را از اعتراضات سایر بخشهای جامعه جدا میکند. برای اینکه عملا تصویر محدود و صنفی از خواسته های معلمان، هم نزد جامعه و هم در میان خود معلمان بوجود می آورد، حال آنکه می دانیم مشکلات معلمان مشکل اکثریت جامعه است. جالب است بدانید شعار "معیشت منزلت حق مسلم ماست" که اولین بار توسط معلمان در تهران در تجمعات سال ۸۵ داده شد، شعار اعتراضات اخیر کارگران نیشکر هفت تپه در شهر شوش بوده است.

در پاسخ به سوال شما، بنظرم معلمان نباید وارد این بازی شوند. با توجه به هزینه های بالایی که اعتراض سیاسی در "آزادترین کشور دنیا"!! دارد، این "اتهام" نیست، این تهدیدی است که با هدف، فروبردن اعتراضات معلمان به لاک محدود و صنفی عده ای که براساس حکم کارگزینی فلان اداره آپ معلم



سندج - تظاهرات معلمان ۱۳۸۶



تهران - تظاهرات معلمان در مقابل مجلس ۱۳۸۶

۲ نفر دیگر در تهران دستگیر می‌کنند. چون مدرکی علیه آنها وجود نداشته آنها را به کرمانشاه می‌فرستند. در کرمانشاه نیز نتوانند مدرکی دال بر مجرم بودن آنها ارائه دهند و مجدداً به تهران باز گردانده می‌شوند و بار دیگر از تهران به سندانج فرستاده می‌شوند. با گذشت دو سال که از دستگیری فرزند کمانگر می‌گذرد، علی‌رغم شکنجه‌های وحشیانه (دررنج نامه‌ای که فرزند نوشت و از زندان به بیرون فرستاد این شکنجه‌ها را افشا کرد)، به گفته خلیل بهرامیان، وکیل فرزند، هیچ مدرکی در پرونده او وجود ندارد که اتهامات را ثابت کند. اخیراً در جریان احضار یکی از معلمان، وقتی ایشان از نماینده دادستان می‌پرسد "شما که این اتهامات را به ما زده‌اید، چه مدرکی برای اثبات آن دارید، نماینده دادستان گفته است ما میتوانیم ۱۰ اتهام دیگر هم به شما بزنیم." فرزند کمانگر را هم به همین روش متهم و سپس محکوم کرده‌اند.

در اتهاماتی که به فرزند زده شده سر سوزنی از حقیقت وجود ندارد. آقایان میخواهند معلمان را به مرگ بگیرند که به تب رضایت بدهند. میخواهند از معلمان زهر چشم بگیرند تا دیگر هیچ معلمی جرأت اعتراض نداشته باشد.

موضع نهادهای صنفی معلمان در این مورد چیست؟ آیا تشکل‌های صنفی معلمان برنامه‌ای برای حمایت از این معلم محکوم به اعدام دارند؟ تشکل‌های صنفی هنور در این مورد موضع مشترکی ندارند. برخی آنرا مثل یک خبر معمولی انعکاس داده‌اند و هیچ موضع مشخصی نگرفته‌اند. خوشبختانه برخی تشکل‌ها و فعالین معلمان به اهمیت این موضوع واقفند و خواهان رفع اتهام از فرزند کمانگر و آزادی فوری او هستند. تلاش‌هایی هم در این زمینه در جریان است. انجمن صنفی معلمان کردستان و کانون صنفی تهران طی اطلاعیه‌های جداگانه‌ای این حکم را غیر عادلانه اعلام کرده‌اند و از معلمان سراسر کشور خواسته‌اند برای لغو این حکم اعتراضات متحدانه‌ای را آغاز کنند.

معلمان و مردم کامیاران، شهری که فرزند کمانگر در آن تدریس می‌کرد، نیز بارها خواستار لغو حکم اعدام فرزند شده‌اند.

نهادهای صنفی معلمان در سطح بین‌المللی هم به این حکم اعتراض کرده‌اند، و کنش معلمان در این مورد چه بوده و اساساً فکر می‌کنید انتشار این بیانیه‌ها در سطح کشوری و بین‌المللی می‌تواند در نجات آقای کمانگر نقش داشته باشد؟

همانطور که اطلاع دارید سازمان آموزش بین‌المللی و اخیراً هم سازمان عفو بین‌المللی به این حکم اعتراض کرده‌اند. این اقدامات بین‌المللی کمک بزرگی است به معلمان و فعالینی که برای لغو این حکم در ایران تلاش میکنند.

اقدامات گسترده اعتراضی به این حکم در داخل و خارج از ایران قطعاً می‌تواند در نجات فرزند از خطر اعدام موثر باشد. قبلاً هم نمونه‌هایی بوده که با اعتراضات گسترده جلوی اعدام و سنگسار و قصاص گرفته شده. در این مورد هم میتوانیم و باید جلوی این اتفاق را بگیریم.

با توجه به حساسیت موضوع، بسنده کردن به انعکاس اخبار مربوط به فرزند کمانگر، هرچند ضروری است اما کافی نیست. تشکل‌های معلمان و سایر فعالین باید اقدامات عملی را در سراسر

کشور تدارک ببینند. با توجه به امکانات در هر جایی، این اقدامات میتوانند از طرح و برجسته کردن مسئله در افکار عمومی تا طومار نامه اعتراضی نوشتن به نهادهای داخلی و بین‌المللی و برگزاری شب شعر، سخنرانی و تجمعات و یا ابتکارات دیگر در حمایت از فرزند کمانگر، را شامل شود.

ما میتوانیم با اعتراضات متحدانه خود جان یک همکار، یک معلم دلسوز و شریف، یک انسان بی‌گناه را که به جرم عدالتخواهی به مرگ محکوم شده را نجات دهیم.

برگرفته از وبلاگ "صدای اعتراض معلم" <http://eteraze-moalem1.blogfa.com>

خواسته‌هایشان با سرکوب پاسخ میگیرند، تفاوت ماهوی بین مجلس هفتم و مجالس پیش از آن ایجاد نمی‌کند.

میدانم که برخی از جمله آقای بهشتی و باغانی و دوستانشان در جریان استیضاح فرشیدی و رای اعتماد مجلس به او، تلاش زیادی کردند که معلمان را به نفع جناح اصلاح طلب و کاندیداتوری خودشان، وارد بازی انتخابات کنند، اما این ربطی به انتظارات توده معلم از مجلس نداشت. بی‌توجهی معلمان به فراخوان این گرایش برای شرکت در انتخابات همین را نشان داد.

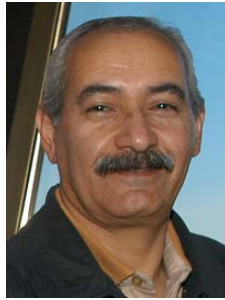
تجربه ما و سایر بخشهای معترض جامعه نشان داده است، حد اکثر نقشی که نمایندگان مجلس یا سایر مقامات حکومتی از هر جناح و دسته دارند، دادن وعده‌های پوچ و ابراز همدردی دروغین با معلمان برای سر دواندن آنان است، که یا تحت فشار اعتراضات معلمان و یا وقتی نیاز به پشتوانه اجتماعی در رقابتهای جناحی دارند، وادار به

این کار می‌شوند. و بلاخره اینکه آن عامل تعیین کننده‌ای که میتواند خواسته‌های معلمان را برآورده کند و شرایط دشوار فعلی را واقعا تغییر دهد، قدرت اعتراضات خود آنان است.

در این میان سخنگوی قوه قضائیه هفته گذشته ضمن تأیید صدور حکم اعدام برای فرزند کمانگر، اتهام این معلم و عضو کانون صنفی معلمان کردستان را امنیتی توصیف کرد، و حتی مدعی شد که او قصد بمب گذاری در یک دانشگاه را داشته است. اصلاحی ماجرای بازداشت این معلم و اتهاماتی که به وی وارد کرده‌اند چیست؟

جریان حکم اعدام آقای فرزند کمانگر ادامه سرکوب معلمان و ایجاد جواریعاب در میان آنان است. احضار و تبعید و زندان نتوانست صدا اعتراض معلمان را خاموش کند، می‌خواهند فشار سرکوب را بزرگتر کنند. فرزند کمانگر را سال ۸۵ همراه

همبستگی و عزم قاطع کارگران آجرپزی ضامن موفقیت اعتصاب خواهد بود



عبدل گلپریان

اعتصاب کارگران آجرپزی در اواسط نیمه دوم اردیبهشت و برای افزایش دستمزدها با اعتصاب صدها کارگر در ۳۰ کوره آجرپزی در قرچک شروع شد. خواست ۸۰۰ کارگر در ۳۰ کوره برای افزایش دستمزدها از ۱۲ هزار تومان به ۱۵ هزار تومان در هر تن آجر بود. مسئولان اداره کار در همراهی با کارفرمایان تلاش کردند اعتصاب را خنثی کنند اما خشم کارگران برای رسیدن به خواست این افزایش ناچیز توانست در مقابل هرگونه ترفندی از جانب اداره کار و کارفرمایان اعتصاب را تا رسیدن به خواست افزایش دستمزدها ادامه دهند. بدنبال این اعتصاب، حدود سه هزار نفر از کارگران کارخانه های آجرپزی ارومیه در اعتراض به سطح پایین دستمزدها از صبح روز ششم خرداد ماه دست به اعتصاب زدند و خواهان افزایش دستمزدهای خود شده اند. کارگران کارخانه های آجرپزی ارومیه نیز در حال حاضر به ازای هر هزار عدد آجر ۹۵۰۰ تومان دستمزد دریافت میکنند و یک کارگر از ساعت ۴ صبح تا ۷ بعد از ظهر در یک شیفت کاری ۱۵ ساعته بطور مداوم، حدود دو هزار آجر در روز تولید میکند. با توجه به تورم افسار گسیخته حاکم بر جامعه و بویژه بر زندگی کارگران کوره های آجرپزی تورمی مضاعف بشمار می رود، کارگران نسبت به پایین بودن دستمزدها اعتراض کرده و خواهان دریافت ۱۵ هزار تومان دستمزد به ازای هر هزار آجر شدند. شروع اعتصاب کارگران ۹۰ کوره آجرپزی ارومیه با ملحق شدن کارگران ۳۰ کوره باقیمانده، به

اعتصاب همکارانشان پیوستند. در روزهای اول اعتصاب، هیچ مسئولی از اداره کار و یا کارفرمایان، کوچکترین توجهی نسبت به خواست کارگران نشان ندادند. همین عدم توجه به خواست کارگران سبب شد که تعدادی از کارگران نازلو که حدود ۳۰ کوره می باشد در مقابل دفتر کارفرما دست به تجمع بزنند که پلیس در محل حاضر شده و کارگران را تهدید به بازداشت کرد. روز بعد و با پیوستن کارگران ۳۰ کوره به اعتصاب، کارفرمایان این کارخانه ها طی جلسه مشترکی با نماینده های کارگران در یکی از کوره های آجر پزی قطلو، اعلام کردند حاضرند فقط ۵۰۰ تومان به دستمزد کارگران اضافه کنند اما کارگران آنرا قبول نکردند و بر خواست خود مبنی بر افزایش دستمزد تولید برای هر هزار عدد آجر از ۹۵۰۰ تومان به ۱۵ هزار تومان پافشاری کردند. در ادامه اعتصاب مصمم کارگران برای افزایش دستمزدها، روز دوازدهم خرداد ماه تمامی کارگران قسمتهای دیگر کارخانه به اعتصاب پیوسته و به این ترتیب تمامی کارخانه های آجرپزی ارومیه از کار افتادند. ۴ هزار کارگر کوره پزخانه های ورامین پس از یک اعتصاب یک ماهه توانستند دستمزد خود را تا سقف ۱۴ هزار تومان افزایش دهند و این موفقیت عاملی در تداوم اعتصاب در کوره پزخانه های ارومیه شد و هم اکنون اعتصاب در کوره پزخانه های ارومیه همچنان ادامه دارد.

آجرپزی غیر قابل تصور است اما کارگران علیرغم قبول تامین شرایط زندگی در مقابل افزایش ۲۰ درصدی دستمزدها، این را هم دریافته اند که این وعده های سرخمن، دروغی بیش نیست و در شرایطی که کارگران در اعتصاب بسر می برند، آن بخش از امکانات ناچیز زندگی را که فعلا موجود است به گروگان گرفته اند و از سویی وعده تامین آنرا به کارگران می دهند، از جمله خاموش کردن حمامهای این کارخانه ها که می تواند مشکلات شدید بهداشتی را برای این کارگران و خانواده هایشان بیار آورد. اداره کار و کارفرمایان با این ترفندها و وعده های پوچ می خواهند کارگران را از ادامه اعتصاب برای بدست آوردن ۱۵ هزار تومان در ازای هر هزار آجر بازدارند.

از سوی دیگر کارفرمایان و صاحبان کوره ها از هم اکنون خود را آماده می کنند که در صورت گردن نهادن به خواست کارگران اعتصابی و برای جبران سوده های از دست رفته ناشی از اعتصاب، قیمت فروش آجر را در بازار افزایش دهند. کارگران کوره های آجرپزی بخوبی دریافته اند که صاحبان و کارفرمایان کوره پزخانه ها حتی با افزایش دستمزد کارگران در صد تامین سوده های کلان تری بعد از پایان اعتصاب کارگران هستند.

اما تا همین جا که اعتصاب هنوز ادامه دارد، کارگران کوره های آجر پزی توانسته اند اتحاد و همبستگی خود را در مقابل فضای تهدیدات پلیسی و ایجاد تفرقه در میان صفوفشان را حفظ کنند. با آنکه این اعتصاب فشارهای بمراتب بیشتری نظیر تورم سرسام آور، بر

کارگران آجرپزی اعمال می کند اما کارگران مصمم و یکدست برای تحقق و رسیدن به خواست افزایش دستمزد ۱۵ هزار برای هر هزار عدد آجر ایستاده اند.

چسبیدن کارگران به مجمع عمومی، شور و مشورت و تصمیم گیری برای ادامه اعتصاب و اتحاد و همبستگی آنان تا رسیدن به خواسته هایشان سبب شده است که نمایندگان اداره کار و کارفرمایان نتوانند به راحتی اعتصاب آنان را دچار خلل و شکست سازند.

این تنها رمز موفقیت اعتصاب کارگران کوره های آجر پزی و دیگر اعتصابات کارگری برای دست یابی به خواست و مطالباتشان است.

این همبستگی و اتحاد را باید محکم چسبید و از آن برای کسب پیروزی حفاظت کرد و تقویت شود. انتخاب نمایندگان کارگران برای مذاکره با کارفرما باید منعکس کننده خواست کارگران اعتصابی باشد. در مواردی که نمایندگان کارگران نتوانسته اند پروسه مذاکره را بخوبی به سرانجام برسانند، همه کارگران بطور دسته جمعی و بدرست خواهان حضور نمایندگان دولت و کارفرمایان در جمع کارگران شده اند.

کارگران اعتصابی کوره پزخانه ها نیازمند پشتیبانی و حمایت کارگران رشته های تولیدی دیگر در سراسر کشور هستند. باید بطور گسترده از اعتصاب کارگران کوره پزخانه ها پشتیبانی بعمل آورد. عزم راسخ و قاطع کارگران کوره پزخانه ها، اتحاد و همبستگی آنها با اتکا به مجمع عمومی خود کارگران برای بکرسی نشانیدن خواست افزایش دستمزدها، ضامن موفقیت اعتصاب خواهد بود.

۱۰ ژوئن ۲۰۰۸

حمایت های خود را به آدرس زیر ارسال فرماید

sosfarhad@gmail.com

<http://sosfarhad.blogfa.com>

<http://www.sosfarhad.co.cc/>

بین المللی و مدافع حقوق بشر، احزاب و سازمانهای سیاسی، شخصیتها و فعالین مدنی استدعا می شود عاجلانه برای نجات جان این انسان دربند بکوشند.

اطلاع رسانی و جلب حمایت نهادهای مدافع حقوق بشر و افکار عمومی "کمپین تلاش برای نجات جان فرهاد حاجی میرزایی" تشکیل شده است. از همه انسانهای آزاده، نهادهای

که برایش پرونده سازی کرده اند و اتهاماتی را که به ایشان داده اند بی ربط است. نگرانی از وضعیت وخیم این زندانی شکنجه شده برای فعالان مدنی روز بروز بیشتر میشود. برای

فراخوان دعوت به حمایت ...

و خونریزی از ناحیه پاهای به شدت آسیب دیده است. بازجوهای اداره اطلاعات برای درهم شکستن روحیه تحقیق و مورد توهین قرار داده اند. فرهاد گفته است